



Explaining of wisdom based on philosophical mind, social perspective-taking and self-restraint in student

Mina Cheraghzadeh¹, Rasool KordNoghabi^{2*} 

1. MA in Educational Psychology, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

2. Associate Professor, Department of Psychology, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

Received: 27 Dec. 2018

Revised: 14 Jan. 2020

Accepted: 16 Jan. 2020

Keywords


Wisdom
Philosophical mentality
Social perspective-taking
Self-restraint

Corresponding author

Rasool KordNoghabi, Department of Psychology, Faculty of Economic and Social Science, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

Email: Rkordnoghabi@gmail.com



 doi.org/10.30699/icss.22.2.1

Abstract

Introduction: Wisdom is known as the highest stage of cognitive transformation and the highest level of personality transformation. Various factors such as philosophical mentality as a kind of deep thinking in life affairs, social perspective-taking as an understanding of the views of others', and self-restraint that involve personal control about the emotions affect wisdom. The purpose of this study was to highlight wisdom based on philosophical mentality, social perspective-taking, and self-restraint in students.

Methods: The research method is descriptive and correlational. For this purpose, 384 students were selected from students at Bu-Ali Sina University through a multistage cluster sampling method in the (2017-2018) academic year. The research tools included the Ardeli wisdom scale (2003), Soltani philosophical mentality scale (1996), the social perspective-taking scale of Mohagheghi et al (2016) and Weinberger and Schwartz self-restraint scale (1990). Data were analyzed by Pearson correlation, multiple regression using SPSS software.

Results: The results revealed that philosophical mentality, social perspective-taking, and self-restraint could predict the wisdom with a beta coefficient of 0.35, 0.21, and 0.13, respectively.

Conclusion: Based on the results of this research, it is suggested that with by emphasizing the importance and training of philosophical mentality, social perspective-taking, and self-restraint in the educational environments, it can enter wise people to the labor market and society.

Citation: Cheraghzadeh M, KordNoghabi R. Explaining of wisdom based on philosophical mind, social perspective-taking and self-restraint in student. *Advances in Cognitive Sciences*. 2020;22(2):1-11.



تبیین خرد بر اساس ذهنیت فلسفی، دیدگاه‌گیری اجتماعی و خودبازداری در دانشجویان

مینا چراغ‌زاده^۱، رسول کرد نوقابی^{۲*} ID

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
 ۲. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

چکیده

مقدمه: خرد به عنوان بالاترین مرحله تحول شناختی و عالی‌ترین سطح تحول شخصیت فرد شناخته شده است. عوامل مختلفی از جمله، ذهنیت فلسفی به عنوان نوعی تفکر عمیق در امور زندگی، دیدگاه‌گیری اجتماعی به عنوان درک نقطه نظرات دیگران و همچنین خودبازداری که شامل کنترل شخصی در خصوص هیجانات بر خردورزی تأثیرگذار هستند. هدف از پژوهش حاضر تبیین خرد بر اساس ذهنیت فلسفی، دیدگاه‌گیری اجتماعی و خودبازداری در دانشجویان بود.

روش کار: روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بود. بدین منظور ۳۸۴ نفر از دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه‌های خرد (Ardelt ۲۰۰۳)، ذهنیت فلسفی سلطانی (۱۳۷۵)، دیدگاه‌گیری اجتماعی محقق و همکاران (۱۳۹۵) و خودبازداری (Weinberger و Schwartz ۱۹۹۰) بود. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان به وسیله از نرم‌افزار SPSS-22 تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد ذهنیت فلسفی، دیدگاه‌گیری اجتماعی و خودبازداری به طور مثبت و معنادار به ترتیب با ضریب بتای ۰/۳۵، ۰/۲۱ و ۰/۱۳ قادر به پیش‌بینی خرد می‌باشند.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود در محیط‌های آموزشی با تأکید بر اهمیت و آموزش ذهنیت فلسفی، دیدگاه‌گیری اجتماعی و خودبازداری بتوان افراد خردمند را وارد بازار کار و جامعه کرد.

دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۶

اصلاح نهایی: ۱۳۹۸/۱۰/۲۴

پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۶

واژه‌های کلیدی

خرد
 ذهنیت فلسفی
 دیدگاه‌گیری اجتماعی
 خودبازداری

نویسنده مسئول

رسول کرد نوقابی، ایران، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، گروه روان‌شناسی

ایمیل: Rkordnoghabi@gmail.com



doi.org/10.30699/ics.22.2.1

مقدمه

چند حافظه، مهارت‌های تحلیلی و هوش اهمیت بالایی دارند اما برای موفقیت در تحصیل و کار کفایت نمی‌کنند و اهمیت مهارت‌هایی چون خرد مهم‌تر تلقی می‌شود، لذا در طول قرن‌ها در فرهنگ‌های مختلف خردمندی از والاترین فضائل قلمداد شده است (۱). علاقه به بررسی خرد مقوله‌ای است که در حوزه‌های علمی مانند روان‌شناسی به سرعت رو به

رشد و تعالی انسان از مهم‌ترین اهداف بشری می‌باشد، لذا شناسایی عوامل موثر برای رشد و شکوفایی همه جانبه شخصیت و استعداد‌های انسان همواره موضوع مهمی در اکثر جوامع بوده است، در این راستا خرد (Wisdom) به عنوان آخرین سطح از رشد و تعالی انسانی نقش مهمی در رسیدن به این هدف و پرورش انسان‌های شایسته دارد. هر

فرونی می‌باشد که در طول دو دهه گذشته، پژوهش‌های روان‌شناسی پیرامون آن از نظر کیفیت رشد یافته است (۲). خرد یکی از پیچیده‌ترین و وسیع‌ترین مفاهیم بشری است، این مفهوم نمایان‌گر رشد قوای فکری و توسعه رفتار انسانی است. به دلیل ماهیت رازگونه آن این مفهوم موضوع تحقیق در زمان‌ها، مکان‌ها و فرهنگ‌های مختلف است، بهره‌مندی از خرد ویژگی‌های افراد و جوامع موفق می‌باشد. فیلسوفان، دانشمندان، متفکران سازمانی در تلاشی مشابه همه به دنبال این بوده و هستند که ماهیت آن را مشخص کنند زیرا معتقدند برای هدایت انسان چیزی مهم‌تر از خرد وجود ندارد (۳). از پیشگامان مطالعه علمی خرد، گروهی تحت عنوان خرد Berlin هستند که خرد را نوعی تخصص در مسائل بنیادین زندگی تعریف کرده‌اند. خرد برخوردار از بینش عمیق و قضاوت درست درباره ماهیت انسان و مشکلات اساسی او در زندگی، روش‌های برنامه‌ریزی و مدیریت یک زندگی خوب است (۴).

Ardelt (۲۰۰۳) به تعریفی از خرد به عنوان ترکیبی از ویژگی‌های شخصیتی با سه بعد گسترده شناختی، تأملی و عاطفی پرداخته است که از نظر او وجود هر سه بعد برای خردمندی فرد لازم است. بعد شناختی خرد نشان‌دهنده میل به دانستن حقیقت و درک عمیق از زندگی است. بعد تأملی نشان‌دهنده خودآزمایی و توانایی مشاهده پدیده‌ها از زوایای مختلف است، بنابراین نوعی فرانشناخت است که شامل ویژگی‌های درون‌نگرانه و شهودی است و بعد عاطفی به عنوان عشق همدلانه، مهربان بودن و درک دیگران می‌باشد. البته در سه دهه اخیر تعریف واضحی از خرد ارائه نشده است با توجه به اهمیتی که به شناخت و عاطفه داده شده است تفاوت دارند در برخی از تعاریف شناخت بسیار مهم در نظر گرفته شده و در بعضی دیگر شناخت کم رنگ‌تر شده و به تلفیق شناخت و عاطفه بسیار اهمیت داده شده است (۵). با توجه به این که خرد با دانش، آگاهی و شناخت همراه است و از سویی افزایش دانش، توانایی تفکر انتزاعی، توانایی تفکر در مورد جنبه‌های متعدد یک موقعیت به طور همزمان از ویژگی‌های ذهنیت فلسفی (Philosophical mind) به شمار می‌روند، به نظر می‌رسد خرد با ذهنیت فلسفی در ارتباط باشد. ذهنیت فلسفی معادل روح فلسفی خصوصیتی است که در رفتار و طرز فکر فیلسوف در برخورد وی با دیگران، رو به رو شدن با مشکلات و به طور کلی در تمام شئون زندگی وی به چشم می‌خورد که باعث تمایز او از دیگران می‌شود، که این خصوصیات شامل کنجکاوی زیاد، فهم عمیق، دید وسیع، صبر، اتکای به نفس و طرفداری از ارزش‌های انسانی است. بی‌شک لازمه فکری رشد قشری از جامعه مانند دانشجویان حضور ویژگی‌هایی نظیر باز بودن در پیچه فکری، گستردگی افق اندیشه، گشودگی فضای اندیشه و انعطاف‌پذیری است تا بر مبنای این خصوصیات

توانایی بررسی اندیشه‌های گوناگون را در خود بیابد (۶). Ardelt (۲۰۰۳) همدلی، عشق به دیگران و درک آنها را زیربنای خردمندی می‌داند. دیدگاه‌گیری اجتماعی (Perspective taking) نیز منعکس‌کننده ابعاد شناختی و عاطفی است که به فرد اجازه می‌دهد، در حالی که یگانگی خود را حفظ می‌کند با فرد همدلی کند و از جایگاه او به مسائل بنگرد (۷). دیدگاه‌گیری نوعی گرایش ذهنی است برای این که افراد خود را جای دیگران بگذارند، دیدگاه‌گیری یک فرایند شناختی فعال است که در آن افراد باید به دیدگاه خود محورشان غلبه کرده و دنیا را به صورتی که برای دیگران پدیدار می‌شود تصور نمایند. دیدگاه‌گیری به طور صریح روی مؤلفه شناختی مربوط به حساسیت همدلانه تمرکز دارد. از میان فرایندهای روانی که تعاملات اجتماعی را تسهیل و هموار می‌سازد همدلی نقش کلیدی را ایفا می‌کند (۸). از طریق دیدگاه‌گیری اجتماعی افراد می‌توانند، افکار، احساسات و انگیزه‌های دیگران را تشخیص و درک نمایند. اصطلاح دیدگاه‌گیری اجتماعی دارای ابعاد شناختی و هیجانی است و به فرد این امکان را می‌دهد در حالی که هویت و یگانگی خود را حفظ می‌کند با فرد دیگری همدلی کند و دنیا را از چشمان او ببیند. در واقع دیدگاه‌گیری به عنوان گام مهمی در رشد شناختی انسان به شمار می‌رود (۹). توانایی دیدگاه‌گیری اجتماعی از لحاظ نظری با رشد معرفت شناختی همراه است و در ردیف مهارت‌های سطح بالای شناختی، نظیر تفکر انتقادی، حل مسئله و قضاوت پیچید قرار می‌گیرد. دیدگاه‌گیری اجتماعی از لحاظ اینکه پاسخ هیجانی یا احساس‌نگرانی نسبت به فرد دیگر را شامل نمی‌شود، از همدلی متفاوت است و می‌تواند دیداری باشد که در آن افراد جایگاه فیزیکی‌شان را تغییر می‌دهند تا اشیا را آن گونه که فرد دیگری می‌بیند، مشاهده کند یا به صورت شناختی باشد که در طی آن فرد از لحاظ ذهنی، نقطه نظر خود را شبیه حالت شناختی دیگری می‌کند. به بیان دیگر دیدگاه‌گیری، فرآیند تعلیق نقطه نظر شخصی یک فرد در تلاش برای دیدن یک موقعیت از دیدگاه فرد دیگری است (۱۰). افرادی که توانایی دیدگاه‌گیری دارند ممکن است دیدگاه مثبت‌تری داشته باشند و می‌توانند نیازها، علایق و آرزوهای دیگران را بهتر برآورده سازند، بنابراین می‌تواند باعث افزایش خرد افراد شود، زیرا فرد خردمند دارای عشق همدلانه و دلسوزانه می‌باشد که با هیجانات مثبت از قبیل، رفتارهای همدلانه، مهربان بودن و درک دیگران همراه است (۱۱).

هر چند ذهنیت فلسفی و دیدگاه‌گیری اجتماعی ممکن است به عنوان ویژگی‌های مهم خردمندی در افراد در نظر گرفته شوند اما از دیدگاه Ardelt (۲۰۰۵) مدیریت و تنظیم هیجاناتی مثل خشم در افراد خردمند جایگاه ویژه‌ای دارد، از این رو عواملی همچون خودمهارگری و کنترل خشم نیز با خرد می‌توانند در ارتباط باشند. خودبازداری (Self-restraint) به

دارند، ذهنیت فلسفی به عنوان نوعی تفکر عمیق در امور زندگی و حقایق، دیدگاه‌گیری اجتماعی به عنوان درک نقطه نظرات دیگران و دیدن دنیا از چشم فرد مقابل و همچنین خودبازداری که شامل کنترل شخصی در خصوص هیجان‌های همچون خشم و به دنبال آن مراعات دیگران می‌باشد که این متغیرها به عنوان پیش‌بین‌های خرد در این پژوهش در نظر گرفته شدند. جمع‌بندی پژوهش‌های مورد اشاره نیز حاکی از وجود ارتباط مثبت و معنادار خرد با عشق و همدلی، مذهب، یادگیری، کیفیت زندگی، هوش و خودکارآمدی می‌باشد که ارتباط گسترده خرد با متغیرهای مختلف را نشان می‌دهد. از سویی هیچ پژوهش داخلی و خارجی نقش سه متغیر ذهنیت فلسفی، دیدگاه‌گیری اجتماعی و خودبازداری را در ارتباط با خردمندی بررسی نکرده است که این امر می‌تواند به عنوان ضرورت انجام این پژوهش در نظر گرفته شود و پژوهش حاضر می‌تواند جهت روشن نمودن روابط بین این متغیرها مفید و راه‌گشا باشد، لذا پژوهش حاضر در پی بررسی این سوال است که آیا ذهنیت فلسفی، دیدگاه‌گیری اجتماعی و خودبازداری توان پیش‌بینی خرد در دانشجویان را دارند یا خیر؟

روش کار

با توجه به این که هدف پژوهش حاضر، تبیین خرد بر اساس ذهنیت فلسفی، دیدگاه‌گیری اجتماعی و خودبازداری دانشجویان بود، از روش توصیفی از نوع همبستگی استفاده شد. جامعه این پژوهش شامل کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه بوعلی سینا همدان در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶ (۷۷۷۲ نفر) بود. حجم نمونه در این پژوهش از طریق جدول تعیین حجم نمونه Morgan، ۳۸۴ بدست آمد. نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای صورت پذیرفت، بدین صورت که در مرحله اول از بین ۹ دانشکده دانشگاه، ۴ دانشکده (فنی و مهندسی، کشاورزی، علوم پایه و اقتصاد و علوم اجتماعی)، به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند و سپس در مرحله دوم از بین این دانشکده‌ها ۱۶ کلاس (از هر دانشکده ۴ کلاس)، انتخاب شدند. شیوه اجرا بدین صورت بود که پس از انتخاب افراد با جلب رضایت آنها پرسشنامه‌ها و توضیحات مربوط به آن در اختیارشان قرار گرفت. همچنین محرمانه ماندن اطلاعات و اختیاری بودن مشارکت در پژوهش برای آنها شرح داده شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های خرد Ardelt (۲۰۰۳)، ذهنیت فلسفی سلطانی (۱۳۷۵)، دیدگاه‌گیری اجتماعی محقق و همکاران (۱۳۹۵) و خودبازداری Weinberger و Schwartz (۱۹۹۰) استفاده شد.

مقیاس سه بعدی خرد (Three Dimensional Wisdom Scale): این مقیاس توسط Ardelt (۲۰۰۳) بر اساس مفهوم خرد از دیدگاه

معنای سرکوب تمایلات خودخواهانه است و در واقع توانایی و گرایش به سر و سامان دادن احساس‌ها، رفتارهای کلامی و غیرکلامی و دیگر گونه‌های خود بیان‌گری است (۱۲). Weinberger و Schwartz (۱۹۹۰) خودبازداری را به عنوان یک ساختار فوق العاده می‌دانند که جنبه‌های مختلف سازگاری با جامعه و کنترل خود را در بر می‌گیرد. خودبازداری یک ویژگی روان شناختی است که با کنترل و نظارت شخصی همراه است که شخص قادر به تعویق انداختن رفتار خویش و هدایت دوباره آن به شیوه دقیق و عاقلانه می‌باشد. بازداری نقش بسیار مهمی در خودگردانی هیجانی دارد. نارسایی بازداری باعث می‌شود که شخص در تنظیم و کنترل هیجان و برانگیختگی مشکل پیدا کند (۱۳). بر اساس نظر Perls (۱۹۷۰) اشخاص سالم می‌توانند مسئولیت زندگی خودشان را بپذیرند، می‌دانند که فقط خودشان مسئول زندگی یا هر آنچه می‌گویند، می‌کنند و می‌اندیشند، هستند و نیز می‌گویند هر ارگان‌بسی برای حفظ تعادل، همواره به تعادل با محیط و خودتنظیمی نیاز دارد. مفهوم تحقق (خود) و آگاهی از خود به این خود تنظیمی کمک می‌کند تا انسان روان سالمی داشته باشد (۱۴). بازداری امکان کنترل برانگیختگی همراه با تجربیات عاطفی را فراهم می‌کند و در تعدیل زمان غلبه بر تجربه عاطفی نقش دارد. به هنگام تجربه حالت‌های عاطفی اگر محرک عاطفی توانایی بازداری را سلب کند، اعمال بازداری عاطفی مختل می‌شود و تنظیم موثر حالت هیجانی رخ نمی‌دهد. یک رویکرد در تبیین این بد تنظیمی هیجانی، به سوگیری توجه ناشی از وجود مولفه هیجانی اشاره دارد که مانع از اعمال بازداری و تنظیم هیجانی مناسب با موقعیت شده و زمینه برون‌ریزی پرخاشگرانه و تکانشگرانه را فراهم می‌آورد (۱۵).

در زمینه ارتباط همه متغیرهای پژوهش حاضر مطالعه‌ای صورت نگرفته است، لذا به پژوهش‌هایی که در ارتباط با متغیرهای پژوهش بوده به طور مختصر اشاره می‌شود: از جمله پژوهش‌های انجام شده می‌توان به ارتباط عشق و همدلی با خرد، (۱۶)، ارتباط خرد با بهزیستی و شادی (۱۷)، رابطه خرد با تصمیم‌گیری و قضاوت (۱۸) ارتباط همدلی و دیدگاه‌گیری با سطوح تعارض بین‌فردی (۱۹) ارتباط خرد با یادگیری و روابط اجتماعی (۲۰)، رابطه ذهنیت فلسفی با بهبود عملکرد (۲۱)، نقش سبک‌های هویت و اعتقادات دینی در پیش‌بینی خردورزی (۲۲)، تبیین خردمندی بر اساس هوش موفق و خودکارآمدی (۲۳) و رابطه ذهنیت فلسفی با هوش معنوی (۲۴)، اشاره کرد.

ادبیات تحقیق نشان داد خرد مقوله‌ای است که پژوهش‌های روان‌شناسی پیرامون آن از نظر کیفیت در دو دهه اخیر رشد یافته است. همچنین خرد به عنوان بالاترین مرحله تحول شناختی و عالی‌ترین سطح تحول شخصیت فرد شناخته شده است. عوامل مختلفی بر رشد خردمندی تاثیر

واکنش‌پذیری بین فردی Davies (۱۹۸۰) و ۱۳ گویه از مقیاس بهره همدلی Cohen (۲۰۰۴) که زیر نام همدلی شناختی یا دیدگاه‌گیری اجتماعی هستند مقیاس جدیدی تدوین نمودند. معیار انتخاب ۱۳ گویه از مقیاس بهره همدلی نیز بار عاملی گویه‌ها بوده که در تحلیل عاملی انجام شده اولیه این ۱۳ گویه بیشترین سهم را در عامل همدلی شناختی داشته‌اند و یک گویه توسط محقق به مقیاس اضافه شد و جهت سنجش پایایی، مقیاس روی یک نمونه اجرا شد. از میان ۲۰ گویه مقیاس، ۵ گویه که همبستگی کمی با مقیاس داشتند حذف شده و مقیاس به یک مقیاس ۱۵ گویه‌ای تبدیل شد و پایایی مقیاس دیدگاه‌گیری اجتماعی با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۸ به دست آمد (۸). مقدار آلفای کرونباخ این مقیاس در این پژوهش ۰/۶۳ بدست آمد.

مقیاس خودبازداری: مقیاس خودبازداری، یک پرسشنامه ۳۰ عبارتی است که میزان بازداری هیجانی و توانایی فرونشانی خشم را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این آزمون در سال ۱۹۹۰ توسط Weinberger و Schwartz تهیه شده است و یکی از مقیاس‌های پرسشنامه سازگاری Weinberger به شمار می‌رود (۲۹). مقیاس خودبازداری دارای یک مقیاس کلی و ۴ زیر مقیاس است. زیر مقیاس‌های این آزمون که سازه‌های مشابه اما مجزایی هستند، عبارتند از: فرونشاندن خشم (سوالات ۶، ۱۰، ۲۰، ۲۲، ۲۵، ۲۸، ۳۰)، کنترل تکانه (سوالات ۲، ۳، ۸، ۱۲، ۱۵، ۱۸، ۲۴، ۲۷)، مراعات دیگران (سوالات ۱، ۵، ۷، ۱۱، ۱۶، ۱۹، ۲۶) و مسئولیت‌پذیری (سوالات ۴، ۹، ۱۳، ۱۴، ۲۱، ۲۳، ۲۹). آزمودنی‌ها در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای میزان موافقت یا مخالفت خود با هر یک از عبارات را بیان کرده و امتیاز آزمودنی از طریق جمع کردن امتیاز عبارات مربوط به هر زیر مقیاس محاسبه می‌شود. Weinberger (۱۹۹۱)؛ به نقل از Weinberger و Feldman (۱۹۹۴) ضریب همبستگی این مقیاس را در نمونه‌ای ۳۸۶ نفری از دانش‌آموزان شهری، ۰/۹۱ گزارش کرده است (۳۰). پایایی بازآزمایی را نیز در یک فاصله دو هفته‌ای ۰/۸۹ و در یک فاصله ۷ ماهه، ۰/۷۶ گزارش کرده است. Weinberger و Feldman (۱۹۹۴)، همسانی درونی کل آزمون را برابر با ۰/۸۵ تا ۰/۸۸ و همسانی درونی زیر مقیاس فرونشاندن خشم: ۰/۷۹ تا ۰/۸۲، کنترل تکانه: ۰/۶۶ تا ۰/۶۹، مراعات دیگران: ۰/۶۸ و مسئولیت‌پذیری: ۰/۷۶ تا ۰/۷۷ ذکر کرده است (۳۰). مقدار آلفای کرونباخ این مقیاس در پژوهش حاضر ۰/۷۹ به دست آمد.

داده‌ها با استفاده از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی مانند میانگین و انحراف معیار مورد تحلیل قرار گرفتند و برای بررسی ارتباط متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به روش همزمان توسط نرم‌افزار SPSS-22 استفاده شد.

Clayton و Birren (۱۹۸۰) ساخته شده است. در این مقیاس، خرد به عنوان متغیری مکنون با شاخص‌های اثرشناختی، عاطفی، و تأملی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (۲۵). این مقیاس شامل ۳۹ گویه (در دو فرم A و B) در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای است که ۱۴ گویه بعد شناختی (گویه‌های ۱، ۳، ۵، ۷، ۹، ۱۱، ۱۳ و ۱۵ از فرم A و ۷، ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۱۹ و ۲۳ از فرم B)، ۱۲ گویه بعد تأملی (گویه‌های ۶ و ۱۰ از فرم B و ۱، ۱۱، ۱۴، ۱۷، ۲۰، ۲۲ و ۲۴ از فرم B) و ۱۳ گویه بعد عاطفی (گویه‌های ۲، ۴، ۸، ۱۲ و ۱۴ از فرم A و ۲، ۴، ۶، ۹، ۱۲، ۱۵، ۱۸ و ۲۱ از فرم B) را می‌سنجد. از نمرات حاصل از این مقیاس خرد در هر یک از سه بعد و در نهایت خردمندی کلی بدست خواهد آمد. Ardelt در پژوهشی میان دانشجویان روانی مقیاس 3D-WS را در ابعاد شناختی، تأملی و عاطفی و نمره کل به ترتیب ۷۱ درصد، ۷۵ درصد، ۶۶ درصد و ۷۲ درصد و ضریب پایایی را نیز پس از گذشت ۱۰ ماه ۸۵ درصد گزارش کرد (۲۵). همچنین پایایی این مقیاس در ایران توسط، نوقایی و همکاران (۱۳۹۴) مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. آلفای کرونباخ را برای کل مقیاس ۰/۸۳، برای بعد شناختی ۰/۷۳، برای بعد تأملی ۰/۵۶ و برای بعد عاطفی ۰/۵۸ گزارش کرده‌اند (۲۶). مقدار آلفای کرونباخ این مقیاس در این پژوهش ۰/۷۶ بدست آمد.

مقیاس ذهنیت فلسفی: پرسشنامه سنجش ذهنیت فلسفی توسط سلطانی (۱۳۷۵) تدوین و اجرا شد که از ۶۰ گویه تشکیل شده است که به منظور سنجش میزان ذهنیت فلسفی افراد به کار می‌رود. نمره‌گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۴ درجه‌ای می‌باشد که برای گزینه‌های «هرگز»، «بندرت»، «بعضی مواقع»، «تقریباً همیشه» به ترتیب امتیازات ۱، ۲، ۳ و ۴ در نظر گرفته می‌شود. این پرسشنامه از ۳ خرده مقیاس شامل: جامعیت، انعطاف‌پذیری و تعمق تشکیل شده است (۲۷). برای سنجش روایی پرسشنامه ذهن فلسفی، از روش اعتبار سازه استفاده شده که در این روش، نظر افراد متخصص در موضوع مورد مطالعه بررسی شد. بنابراین، برای تعیین میزان همخوانی گویه‌ها با ویژگی‌های ذهن فلسفی بر اساس تشخیص متخصصان فلسفه و تعلیم و تربیت عمل شده است. ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده برای این پرسشنامه توسط مرتضایی مقدم (۱۳۸۰)، ۰/۷۳ بوده است (۲۸). مقدار آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه در این پژوهش ۰/۷۱ بدست آمد.

مقیاس دیدگاه‌گیری اجتماعی: مقیاسی که به زبان فارسی دیدگاه‌گیری اجتماعی را بسنجد وجود ندارد. در پژوهش‌های غیر ایرانی نیز برای سنجش دیدگاه‌گیری از مقیاس‌های همدلی یا از بیان سناریو و کدبندی پاسخ شرکت‌کنندگان استفاده شده است. محقق و همکاران (۱۳۹۵) با ترکیب ۶ گویه زیر مقیاس دیدگاه‌گیری از شاخص

یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت کنندگان در جدول ۱ ارائه شده است. برای بررسی سوال پژوهش، از رگرسیون چندگانه استفاده شد. در مدل رگرسیون، متغیرهای خودبازداری، ذهنیت فلسفی و دیدگاه‌گیری اجتماعی به عنوان پیش‌بین و خرد به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شدند. میانگین

و انحراف استاندارد نمرات در مقیاس‌های خرد، دیدگاه‌گیری اجتماعی، ذهنیت فلسفی و خودبازداری در جدول ۲ ارائه شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، میانگین خرد، ۱۱۰/۹۶، میانگین ذهنیت فلسفی ۱۵۳/۷۳، میانگین دیدگاه‌گیری اجتماعی ۳۴/۷۶ و میانگین خودبازداری، ۹۶/۳۳ است.

جدول ۱. ویژگی جمعیت شناختی شرکت کنندگان در پژوهش

مقطع	جنس	تعداد	درصد
کارشناسی	زن	۱۵۱	۳۹/۳
	مرد	۱۲۶	۳۲/۸
	کل	۲۷۷	۷۲/۱
کارشناسی ارشد	زن	۵۶	۱۴/۶
	مرد	۵۱	۱۳/۳
	کل	۱۰۷	۲۷/۹

جدول ۲. شاخص‌های گرایش مرکزی و نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف برای متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	فراوانی	میانگین	خطای معیار	Z	P
خرد	۳۸۴	۱۱۰/۹۶	۰/۶۶	۰/۰۹۵	۰/۲۰۰
ذهنیت فلسفی	۳۸۴	۱۵۳/۷۳	۰/۸۱	۰/۱۵۱	۰/۲۰۰
دیدگاه‌گیری اجتماعی	۳۸۴	۳۴/۷۶	۰/۲۳	۰/۱۳۴	۰/۲۰۰
خودبازداری	۳۸۴	۹۶/۳۳	۰/۵۴	۰/۲۱۸	۰/۰۹۲

واریانس استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است. بر اساس اطلاعات جدول ۳، همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مقدار همبستگی خرد با ذهنیت فلسفی ۰/۵۲۱، دیدگاه‌گیری اجتماعی ۰/۴۳۴ و خودبازداری ۰/۴۵۲ می‌باشد که از نظر آماری معنادار است ($P < 0/01$). نتایج شاخص ضریب تحمل برای متغیرها بالاتر از ۰/۳ است و در محدوده مناسبی است، همچنین شاخص تورم واریانس نیز زیر ۳ بدست آمده که در محدوده مناسبی است. در ادامه تحلیل رگرسیون چندگانه اجرا شد که نتایج آن در جدول ۴ و ۵ ارائه شده است.

برای اجرای رگرسیون پیش‌فرض‌های نرمال بودن با آزمون کلموگروف-اسمیرنوف مورد بررسی قرار گرفت و مقدار معناداری برای همه متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ بود و فرض نرمال بودن مورد پذیرش قرار گرفت (جدول ۲). برای بررسی رابطه خطی بین متغیرها از همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج حاکی از ارتباط معنادار بین متغیرها داشت همه روابط در سطح ۰/۰۱ معنادار بودند (جدول ۳). آزمون Durbin-Watson برای ارزیابی استقلال خطاها به کار رفت که میزان این آماره ۱/۶۷ بدست آمد که در بازه مناسب (بین ۱/۵ تا ۲/۵) قرار داشت ($DW = 1/67$). برای بررسی هم‌خطی بین متغیرها از شاخص‌های ضریب تحمل و عامل تورم

جدول ۳. آزمون همبستگی پیرسون جهت بررسی خطی بودن رابطه بین متغیرها

متغیر	۱	۲	۳	۴	آماره تحمل	تورم واریانس (VIF)
۱. ذهنیت فلسفی	-				۰/۹۸	۱/۰۱
۲. دیدگاه‌گیری	۰/۴۳**	-			۰/۷۳	۱/۳۶
۳. خودبازداری	۰/۲۳**	۰/۴۶**	-		۰/۷۳	۱/۳۶
۴. خرد	۰/۵۲**	۰/۴۳**	۰/۴۵**	-	-	-

**P<۰/۰۱

جدول ۴. آزمون تحلیل واریانس را جهت بررسی معناداری مدل رگرسیون نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مقدار آماره F برابر با ۶۴/۰۴ بوده و از لحاظ آماری معنادار می‌باشد (P<۰/۰۱). بنابراین، مدل رگرسیون

برای پیش‌بینی خرد بر اساس ذهنیت فلسفی، دیدگاه‌گیری اجتماعی و خودبازداری، از لحاظ آماری معنادار است. با توجه به مجذور R، متغیرهای پیش‌بین در معادله رگرسیون می‌توانند تا ۳۴ درصد واریانس خرد را تبیین کنند.

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی خرد توسط ذهنیت فلسفی، دیدگاه‌گیری اجتماعی و خودبازداری

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	P	R	R ²
رگرسیون	۲۱۴۷۴/۶۲	۳	۷۱۵۸/۲۱				
باقی مانده	۴۲۴۷۴/۷۱	۳۸۰	۱۱۱/۷۸	۶۴/۰۴	۰/۰۰۱	۰/۵۸	۰/۳۴
کل	۶۳۹۴۹/۳۳	۳۸۳					

جدول ۵. ضرایب رگرسیون را برای تبیین سهم هر یک از ذهنیت فلسفی، دیدگاه‌گیری اجتماعی و خودبازداری در پیش‌بینی خردمندی نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، همه ضرایب مربوط به این عامل‌ها، از لحاظ آماری معنادار است (P<۰/۰۱). همچنین، با توجه

به مقادیر ضرایب رگرسیون استاندارد، ذهنیت فلسفی با مقدار آماره بتای استاندارد برابر با ۰/۳۵، از سهم بیش‌تری برای تبیین خرد برخوردار است. دیدگاه‌گیری اجتماعی با سهم بتای ۰/۲۱ و خودبازداری با سهم بتای ۰/۱۳ در تبیین خرد نقش معناداری دارند.

جدول ۵. ضرایب استاندارد شده مدل پیش‌بینی خرد بر اساس ذهنیت فلسفی، دیدگاه‌گیری اجتماعی و خودبازداری

متغیر	ضرایب رگرسیون غیر استاندارد		ضرایب رگرسیون استاندارد (بتا)	t	P
	B	خطای معیار			
ثابت	۳۰/۲۲	۵/۸۹	---	۵/۱۳	۰/۰۰۱
ذهنیت فلسفی	۰/۲۸	۰/۰۴	۰/۳۵	۶/۵۹	۰/۰۰۱
دیدگاه‌گیری اجتماعی	۰/۶۲	۰/۱۴	۰/۲۱	۴/۴۳	۰/۰۰۱
ثابت	۰/۱۶	۰/۰۷	۰/۱۳	۲/۳۱	۰/۰۲۱

بحث

هدف پژوهش حاضر تبیین خرد بر اساس متغیرهای ذهنیت فلسفی، دیدگاه‌گیری اجتماعی و خودبازداری بود. ذهنیت فلسفی، دیدگاه‌گیری اجتماعی و خودبازداری به عنوان متغیر پیش‌بین و خرد متغیر به عنوان متغیر ملاک در معادله رگرسیون به روش همزمان تحلیل شدند. در راستای ارتباط خرد با ذهنیت فلسفی نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های (۳۱-۳۳)، در راستای ارتباط خرد با دیدگاه‌گیری اجتماعی نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های (۱۶، ۳۴) و در راستای ارتباط خرد با خودبازداری نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های (۳۵-۳۸) همسو است.

در زمینه ارتباط ذهنیت فلسفی و خرد پژوهشی انجام نگرفته است اما بر اساس نظر Webster (۲۰۰۳) فرد خردمند بر گشودگی به تجارب تأکید دارد. گشودگی شامل انعطاف‌پذیری نسبت به افکار و بینش‌های جدید است لذا به مفهوم خلاقیت بسیار نزدیک است (۳۷)، از آنجایی که انعطاف‌پذیری یکی از ابعاد ذهنیت فلسفی می‌باشد و اسمیت (۱۹۶۵) بیان می‌کند که انعطاف‌پذیری با نواندیشی، دیگر بینی و خلاقیت سروکار دارد و فرد مسائل را از جهات مختلف می‌بیند (۳۸). بر اساس دیدگاه Yang (۲۰۱۱، ۲۰۱۴) نیز یکی از پیشایندهای تأثیرگذار بر خرد یکپارچگی اصول فکری با اصول اخلاقی می‌باشد. افراد خردمند پدیده‌ها و مسائل را از چشم‌اندازهای مختلف ادراک می‌کنند و به طور عمیق به مساله می‌پردازند، بنابراین ذهنیت فلسفی می‌تواند به عنوان عاملی در پیش‌بینی رشد خردمندی این افراد مؤثر باشد، زیرا فرد دارای ذهن فلسفی امور مسلم زندگی را مورد سؤال قرار می‌دهد و افکار خود را به آنچه که دیده، محدود نمی‌سازد بلکه با فعال‌سازی افکار خود، به مشاهده دقیق موردی از کل مشاهدات خود پرداخته و به استخراج قاعده‌ای که آن موارد در آن وضعیت قرار داده می‌پردازد و دلالت‌هایی که آن موارد به آن اشاره دارند را روشن می‌کند و سعی در کشف حقایق آن دارد (۴۰، ۴۱). در واقع ذهنیت فلسفی افراد را در تفکر صحیح کمک می‌کند و او را به داشتن قضاوت‌های صحیح عادت می‌دهد و فرد صرفاً خود را محصور به امور نامحسوس نمی‌کند بلکه قوه خلاقانه ذهن خویش را به کار می‌گیرد. با توجه به موارد گفته شده می‌توان این گونه تبیین کرد که ذهنیت فلسفی با خرد رابطه مثبت و معناداری دارد و پیش‌بینی‌کننده مثبتی برای خرد است، بنابراین می‌توان با سعی در پرورش ابعاد ذهنیت فلسفی که شامل جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری است میزان خرد را در دانشجویان افزایش داد.

پژوهشی در خصوص ارتباط بین خرد و دیدگاه‌گیری اجتماعی انجام نشده است، از آنجا که دیدگاه‌گیری ارتباط تنگاتنگی با همدلی دارد و روی مؤلفه شناختی حس همدلانه تمرکز دارد نقشی اساسی در دیدگاه‌گیری

اجتماعی ایفا می‌کند، می‌توان ارتباط آن را با خرد منطقی در نظر گرفت. در نظریه سه بعدی خرد Ardelt (۲۰۰۳) بُعد عاطفی یکی از ابعاد خرد به عنوان ویژگی‌های شخصیت انسان بیان شده است. این بُعد شامل عشق و علاقه همدلانه و احساساتی به دیگران و رفتار دلسوزانه همراه با انگیزه برای پرورش رفاه دیگران می‌باشد. فرد خردمند با کاهش خودمحوری و بینش عمیق نسبت به رفتار خود قادر به همدلی و عشق‌ورزی به دیگران می‌باشد. اشخاص خردمند به جای واکنش‌های منفی مانند خشم، طرد یا افسردگی، سعی می‌کنند دیدگاه‌های دیگران را درک نموده و دنیا را از چشمان او دیده و با او همدلی نمایند (۲۵). همچنین Brown (۲۰۰۴) در مدل رشدی خود بیان نموده است فهم دیگران به معنای درک عمیق دیگران با اخلاق‌های متفاوت است و این ویژگی اساس و بنیاد سایر خصوصیات افراد خردمند شامل: توانایی مشارکت با دیگران، ظرفیت همدلی با آنان و اشتیاق برای کمک به آنها است (۴۲). دیدگاه‌گیری دارای ابعاد شناختی و هیجانی است و به فرد این امکان را می‌دهد در حالی که هویت و یگانگی خود را حفظ می‌کند با فرد دیگری همدلی کند و دنیا را از چشمان او ببیند. دیدگاه‌گیری یک فرایند شناختی فعال است که در آن افراد باید به دیدگاه خود محورشان غلبه کرده و دنیا را به صورتی که برای دیگران پدیدار می‌شود ببینند (۴۳). لذا با توجه به مطالب ارائه شده می‌توان این گونه تبیین کرد که از طریق دیدگاه‌گیری اجتماعی که باعث افزایش رشد معرفت شناختی می‌شود می‌توان میزان خرد را افزایش داد. همچنین دیدگاه‌گیری و همدلی با دیگران باعث می‌شود افراد به رفتارهای منفی دیگران با بخشندگی و عشق مشفقانه پاسخ دهند، بنابراین دیدگاه‌گیری اجتماعی می‌تواند با خرد در ارتباط باشد.

تحقیقاتی در زمینه رابطه خرد و خودبازداری تاکنون انجام نگرفته است اما در زمینه تنظیم هیجانی و ارتباط آن با خرد می‌توان نتایج پژوهش انجام شده را با پژوهش‌های (۳۵-۳۹) همسو دانست. خرد با همدلی و مراعات و درک دیگران که یکی از ابعاد خودبازداری می‌باشد در ارتباط است. تنظیم هیجانی یک عنصر کلیدی برای خرد می‌باشد، شناسایی و به کار بستن هیجان‌ات در شرایط مناسب معیار سازنده خردورزی است و این افراد قادر را به مدیریت هیجان‌ات خود در موقعیت‌های مختلف همچون خشم می‌کند (۳۹). از طرفی خودبازداری نقش مهمی در خودگردانی هیجانی دارد و نارسایی بازداری باعث می‌شود فرد در تنظیم و کنترل هیجان‌ات منفی خود با مشکلات اساسی رو به رو شود. خودبازداری از انکار و سرکوب کردن هیجان‌ات منفی جلوگیری می‌کند (۳۰). بر اساس نظر Bluck و Gluck (۲۰۱۴) تنظیم هیجانی به عنوان یکی از عوامل در مدل رشد خرد اشاره به این دارد که افراد خردمند احساسات منفی خود را سرکوب نمی‌کنند و آنها را برای مدت

می‌توانند دیدگاه‌ها و هیجانات فرد دیگر را درک کنند و دیدگاه‌گیری به عنوان درک دیگران و برقراری رابطه با دیگران می‌باشد، رابطه مثبتی داشته باشد. با توجه به اهمیت خرد به عنوان یکی از سازه‌های مهم روان‌شناسی مثبت در نظام‌های آموزشی دنیا به خصوص در سال‌های اخیر، شناسایی پیشایندها و متغیرهای مرتبط با خردمندی پیام‌های مهمی برای متخصصان و برنامه‌ریزان تعلیم و تربیت دارد، زیرا با شناسایی این عوامل می‌توان به طراحی برنامه‌های مداخله‌ای و آموزشی در زمینه افزایش خردمندی دانشجویان پرداخت. زیرا نباید همچون گذشته تنها بر هوش و مهارت‌های تفکر تأکید کرد و آنها را دغدغه نظام‌های آموزشی دانست، بلکه با فراهم آوردن محیط‌های آموزشی غنی می‌توان افراد خردمند را وارد جامعه ساخت.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر تعداد اندک پژوهش‌ها در زمینه خرد، دیدگاه‌گیری اجتماعی و خودبازداری و محدود بودن ابزار پژوهش به پرسشنامه بود. با توجه به دامنه گسترده خرد، پیشنهاد می‌شود متغیرهایی مانند حل مسأله، نقش معنا در زندگی و تنظیم هیجانی با خرد در پژوهش‌های آتی مورد بررسی قرار گیرند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تبیین خرد بر اساس ذهنیت فلسفی، دیدگاه‌گیری اجتماعی و خودبازداری انجام شد. نتایج نشان داد ذهنیت فلسفی، دیدگاه‌گیری اجتماعی و خودبازداری به طور مثبت و معنادار قادر به پیشبینی خرد می‌باشند. همچنین بین خودبازداری و ذهنیت فلسفی، بین ذهنیت فلسفی و دیدگاه‌گیری اجتماعی و بین خودبازداری و دیدگاه‌گیری اجتماعی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد که وجود این ارتباطها تأکید بر اهمیت و آموزش ذهنیت فلسفی، دیدگاه‌گیری اجتماعی و خودبازداری به منظور بالابردن خرد افراد را نشان می‌دهد.

تشکر و قدردانی

این مقاله حاصل پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی است.

زیادی درون خود نگه نمی‌دارند، اما آنها باید هیجانات منفی‌شان را محدود کنند و کنترل و بازداری بیشتری روی هیجاناتشان داشته باشند، بنابراین بین خرد و خودبازداری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (۳۹). همچنین خرد که شامل رفتارهای دلسوزانه و نداشتن هیجانات منفی نسبت به دیگران و همچنین فهم و درک افراد می‌باشد، با مراعات دیگران به عنوان یکی از ابعاد خودبازداری به معنای فهم و درک احساس و هیجانات دیگری و یا برقراری ارتباط عاطفی با شخص دیگر است رابطه مثبت و معناداری دارد. بنابراین با توجه به مطالب گفته شده می‌توان این‌گونه تبیین کرد که خودبازداری با جلوگیری از سرکوب هیجانات منفی و در مقابل آن با کنترل هیجاناتی چون خشم در جهت جلوگیری از آسیب رساندن به دیگران، و همچنین مراعات و همدلی و درک هیجانات دیگران می‌تواند پیش‌بین خوبی برای خرد باشد. لذا می‌تواند خرد را در دیگران افزایش داده و زمینه رشد آن را نیز فراهم کند.

ذهنیت فلسفی با تأکید بر انعطاف‌پذیری، نواندیشی و مشاهده دقیق حقایق و توانایی صحیح در قضاوت کردن موجب رشد توانایی خرد می‌شود. همچنین دیدگاه‌گیری اجتماعی با تأکید بر همدلی، عاطفه، درک دیگران و رشد معرفت‌شناختی پیش‌بینی‌کننده موثری برای خرد می‌باشند. خودبازداری با مدیریت هیجان در شرایط مختلف و بازداری و کنترل روی هیجانات به خصوص کنترل خشم و تکانه و همچنین مراعات دیگران و مسئولیت‌پذیری می‌تواند عامل دیگری برای پیش‌بینی خرد باشد. بنابراین ذهنیت فلسفی، دیدگاه‌گیری اجتماعی و خودبازداری سه عنصر موثر در خصوص پیش‌بینی میزان خرد در افراد به ویژه دانشجویان نقش مهمی دارند.

از آنجایی که خرد مولفه‌هایی مانند رسیدن به درک عمیق زندگی، درک و همدلی نسبت به دیگران و توانایی مدیریت هیجانات را در بر می‌گیرد می‌تواند با متغیرهایی مانند ذهنیت فلسفی که باعث می‌شود افراد به مسائل گوناگون نگاه عمیق‌تری داشته باشند، خودبازداری که توانایی کنترل هیجانات خود و فرونشاندن تکانه‌های خود را دارند بیشتر

References

- Walsh R, Reams J. Studies of Wisdom: A special issue of integral review. *Integral Review*. 2015;11(2):1-6.
- Staudinger UM, Gluck J. Psychological wisdom research: Commonalities and differences in a growing field. *Annual Review of Psychology*. 2011;62:215-241.
- Po Keung IP. Kingly governance as wise management. International Conference on Wise Management in Organizational Complex. 2011 May 23-24; Shanghai, China;2011.
- Kord Noghabi R. Psychology of wisdom, Tehran:Arjmand Publication;2016. (Persian)

5. Marchand H. An overview of the psychology of wisdom. Prometheus Research Group;2003.
6. Shariatmadari A. The principles and philosophy of education. Tehran:Amir Kabir Publication;2017. (Persian)
7. Galinsky AD, Ku G, Wang CS. Perspective-taking and self-other overlap: Fostering social bonds and facilitating social coordination. *Group Processes & Intergroup Relations*. 2005;8(2):109-124.
8. Mohaghegi H, Zoghi Paydar MR, Yaghubi A, Yar Mohammadi Vassel M, Mohammad Zadeh S. Codification and validation of a scale to measure social perspective taking. *Social Cognition*. 2016;5(1):20-34. (Persian)
9. Flavell JH. Theory-of-mind development: Retrospect and prospect. *Merrill-Palmer Quarterly*. 2004;50(3):274-290.
10. Van Der Graaff J, Branje S, De Wied M, Hawk S, Van Lier P, Meeus W. Perspective taking and empathic concern in adolescence: Gender differences in developmental changes. *Developmental Psychology*. 2014;50(3):881-888.
11. Long EC. Perspective-taking differences between high-and low-adjustment marriages: Implications for those in intervention. *American Journal of Family Therapy*. 1993;21(3):248-259.
12. Sumter SR, Bokhorst CL, Westenberg PM. The robustness of the factor structure of the Self-Restraint Scale: What does self-restraint encompass?. *Journal of Research in Personality*. 2008;42(4):1082-1087.
13. Brown SC. Learning across the campus: How college facilitates the development of wisdom. *Journal of College Student Development*, 2004;45(2):134-148.
14. Schultz D. Psychology of perfection. Khoshdel G, translator. 16th ed. Tehran:Peykan Publication;2008.
15. Zare Z. Self-inhibition and mental health based on family communication patterns [MSc Thesis]. Marvdasht:Islamic Azad University, Marvdasht Branch;2011.
16. Hu C. Measurement of wisdom among mainland Chinese [Doctoral Dissertation]. Toronto:University of Toronto;2016.
17. Arzeen S, Haq MA. An investigation of relationship between wisdom and subjective well-being for a sample of Pakistani adolescents. *FWU Journal of Social Sciences*. 2013;7(1):39-46.
18. Larrick R, Manes A, Soll J. The social psychology of the wisdom of crowds. In Krueger JI, (Editor). *Frontiers in social psychology. social judgment and decision making*. New York;- Psychology Press;2012. pp. 227-242.
19. LeBlanc D, Gilin DA, Calnan K, Solarz B. Perspective taking, empathy, and relational conflict at work: An investigation among participants in a workplace conflict resolution program. In International Association for Conflict Management, IACM 25th Annual Conference. 2012 Jul 11-14; Stellenbosch, South Africa;2012.
20. Opdebeeck H, Habisch A. Compassion: Chinese and western perspectives on practical wisdom in management. *Journal of Management Development*. 2011;30(7/8):778-788.
21. Pierra J. Investigations of enhanced relationship between philosophic mind of managers and their employees work performance in governmental organizations in Western Reserve University [PhD Dissertation]. Illinois:University of Illinois at Urbana Champaign;2009.
22. Kordnoghi R, Nabizadeh S, Hadadi F. Investigating the role of explaining the styles of identity and religious beliefs in the construct of wisdom. *Quarterly Journal of Psychology and Religion*. 2017;10(1):137-154. (Persian)
23. Ghorbani R, Khormae F. Explaining wisdom based on successful intelligence and coping self-efficacy. *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologists*. 2016;13(49):43-55. (Persian)
24. Marashi M, Sanjari H, Safaei Moqadam H, Elhampour M. The relationship between graduate students in mind, philosophical and spiritual intelligence Shahid Chamran University. *Quarterly Journal of New Thoughts on Education*. 2016;2(12):145-164. (Persian)
25. Ardelt M. Empirical assessment of a three-dimensional wisdom scale. *Research on Aging*. 2003;25(3):275-324.
26. Kord Noghi R, Jahan F, Rashid Kh, Rezaee A. Wisdom measurement in Iran. *Quarterly Journal of Educational Measurement*, 2015;6(22):187-212. (Persian)

27. Soltani I. Measuring the philosophical mentality of managers. *Tadbir*. 1996;7(62):16-19. (Persian)
28. Mortezaei Moghadam M. The effect of the philosophical mindfulness of managers on their decision making at Ferdowsi University of Mashhad [MSc Thesis]. Mashhad:Ferdowsi University;2001. (Persian)
29. Weinberger DA, Schwartz GE. Distress and restraint as superordinate dimensions of self-reported adjustment: A typological perspective. *Journal of Personality*. 1990;58(2):381-417.
30. Feldman SS, Weinberger DA. Self-restraint as a mediator of family influences on boys' delinquent behavior: A longitudinal study. *Child Development*. 1994;65(1):195-211.
31. Sternberg RJ. Schools should nurture wisdom. In Presseisen BZ (Editor). *Teaching for intelligence*. 2nd ed. Thousand Oaks, CA:Corwin;2008. pp. 61-88.
32. Azadian S. Explanation of wisdom based on intelligence and creativity [MSc Thesis]. Hamedan:Bu-Ali Sina University;2013. (Persian)
33. Hashemi S. The study of the wisdom of the students of the humanities and basic sciences in the process of problem solving and its relations with epistemological beliefs. *Quarterly Journal of New Thought on Education*. 2011;7(2):53-82. (Persian)
34. Taylor M, Bates G, Webster JD. Comparing the psychometric properties of two measures of wisdom: Predicting forgiveness and psychological well-being with the Self-Assessed Wisdom Scale (SAWS) and the Three-Dimensional Wisdom Scale (3D-WS). *Experimental Aging Research*. 2011;37(2):129-141.
35. Ardel M. Wisdom and life satisfaction in old age. *The Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*. 1997;52(1):15-27.
36. Holliday SG, Chandler MJ. *Wisdom: Explorations in human competence. Contributions to human development*. New York:Karger;1986.
37. Webster JD. An exploratory analysis of a self-assessed wisdom scale. *Journal of Adult Development*. 2003;10(1):13-22.
38. Smith PG. *What is philosophy education?*. New York:Mc-Millan;1965. pp. 12-18
39. Gluck J, Bluck S. The MORE life experience modal: A theory of the development of personal wisdom. In Ferrari M, Weststrate NM (Editors). *The scientific study of personal wisdom*. New York:Springer;2014. pp. 264-295.
40. Yang SY. Wisdom and learning from important and meaningful life experiences. *Journal of Adult Development*. 2014;21(3):129-146.
41. Yang SY. Wisdom displayed through leadership: Exploring leadership-related wisdom. *The Leadership Quarterly*. 2011;22(4):616-632.
42. Brown SC. Learning across the campus: How college facilitates the development of wisdom. *Journal of College Student Development*. 2004;45(2):134-148.
43. Gehlbach H, Brinkworth ME, Wang MT. The social perspective taking process: What motivates individuals to take another's perspective?. *Teachers College Record*. 2012;114(1):197-225.